

دکتر لسلی آلن، حزقیال، درس ۲۱، تور رؤیایی

معبد جدید، حزقیال ۱:۴۰-۴۲:۲۰

لزلی آلن و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر لسلی آلن در حال تدریس در مورد کتاب حزقیال است. این جلسه ۲۱، بخش ۷، تور رؤیایی معبد جدید است. حزقیال ۱:۴۰-۴۲:۲۰.

اکنون به بخش آخر کتاب حزقیال می‌رسیم که از فصل‌های ۴۰ تا ۴۸ را در بر می‌گیرد. اولین بخشی که امروز می‌خواهم مطالعه کنم از آیه ۱ از باب ۴۰ تا آیه ۲۰ از باب ۴۲ است. آنچه در اینجا داریم، یک تور رؤیایی از معبد جدید است.

این رؤیای معبد است. شرح مفصلی از معبد جدید ارائه می‌دهد. بیایید ابتدا به ساختار کلی این بخش نگاهی بیندازیم.

پنج بخش اصلی وجود دارد. بخش اول مقدمه‌ای در باب ۴۰ و آیات ۱ تا ۵ است. ما با رؤیا آشنا می‌شویم و به دیوار پیرامونی اشاره می‌کنیم. سپس بخش دوم از آیات ۴۶ تا ۳۷ ادامه دارد.

اینها سه دروازه‌ای هستند که در اینجا ذکر شده‌اند. دروازه‌هایی به حیاط بیرونی معبد، سه دروازه به حیاط بیرونی معبد، و سپس سه دروازه به حیاط داخلی. و در واقع، این در آیه ۴۷، در این بخش خاص، گرد شده است.

اما در این بین، شرح تکمیلی از اتاق‌های نزدیک دروازه‌ها داریم: ۴۰، ۴۸ تا ۳۸ تا ۴۶. سپس، بخش سوم در ۴۱، ۴ قرار دارد و خود ساختمان معبد را توصیف می‌کند. این در ابتدای این روایت رؤیا آمده ۴۸، ۴۰، است که مختصرترین بخش است.

نوعی سکوت و بی‌پرده گویی در آن وجود دارد که حاکی از حیرت و شگفتی است. در واقع، این بخش، متممی دارد، اما باید منتظر آن باشیم. باید تا آیه ۴۱، یعنی نیمه دوم آیه ۱۵ تا آیه ۲۶، صبر کنیم.

و این، کارهای خوبی معبد را توصیف می‌کند. اما قبل از آن، بخش چهارم، بخش چهارم، در آیات ۴۱:۵ تا درباره ساختمان‌هایی که در مجاورت معبد قرار دارند، به ما می‌گوید و آنها را توصیف می‌کند. این، ۱۵a، توصیف در آیات ۱:۴۲ تا ۱۴، با ذکر دو ساختمان دیگر در پشت معبد، تکمیل می‌شود.

سپس، در نهایت، این رؤیا در آیات ۱۵:۴۲ تا ۲۰ به پایان می‌رسد و توضیحات بیشتری در مورد دیوار پیرامونی ارائه می‌دهد. رؤیای معبد جدید، در واقع، تا فصل ۴۴ ادامه خواهد یافت و کل آن، همتای و در تضاد با چیزی است که قبلاً در کتاب، در فصل‌های ۸ تا ۱۱، در نیمه اول کتاب خوانده‌ایم. در آنجا خداوند حزقیال را در حالت خلسه به معبد قدیمی که در آن زمان هنوز ایستاده بود، برد و اطراف را به او نشان داد.

آن رؤیا یک تجربه منفی بود و اعمال بت‌پرستانه‌ای را که در محوطه معبد انجام می‌شد، آشکار می‌کرد. این رؤیا، نقطه مقابل مثبت آن است. این رؤیا، دیدگاه نجات را به جای داوری منعکس می‌کند.

این نشان دهنده یک شروع جدید است. در اینجا، خداوند حزقیال را در حالت خلسه به کوهی بسیار بلند می‌برد و معبدی کاملاً جدید را به او نشان می‌دهد. یک فرشته، یک راهنمای فرشته‌ای، او را در اطراف محوطه معبد می‌برد.

به آیه ۳ از فصل ۴۰ نگاه کنید. وقتی مرا به آنجا آورد، مردی که سیمایش چون برنز می‌درخشید، آنجا بود. او ریسمانی کتانی و نی اندازه‌گیری در دست داشت و در دروازه ایستاده بود.

او یک میله اندازه‌گیری پایروسی برای اندازه‌گیری‌های کوتاه‌تر حمل می‌کند، زیرا وظیفه او اندازه‌گیری هر بخش خاص از منطقه معبد و گزارش بزرگی آن به حزقیال است. او همچنین یک متر نواری برای اندازه‌گیری‌های طولانی‌تر دارد و قرار است در طول این تور از هر دو به طور گسترده استفاده کند. این رؤیا جزئیات معماری عظیمی را ارائه می‌دهد.

اما در همان ابتدا، در آیه ۲، او مرا در رؤیاهای خدا به سرزمین اسرائیل آورد و مرا بر کوهی بسیار بلند که بناپی مانند یک شهر در جنوب بود، نشان داد. و اینجا این بنای عظیم، این ساختمان آنقدر بزرگ به نظر می‌رسد، این محوطه ساختمان، که مانند یک شهر به نظر می‌رسد. ما در همان ابتدا در آیه ۱ یک تاریخ داریم، و در این هفتمین و آخرین بخش کتاب، مانند تعدادی از بخش‌های قبلی، تاریخ خاصی دارد.

در واقع، این نشان دهنده آوریل ۵۷۳ پیش از میلاد است. این آخرین تاریخ از نظر زمانی است، جدا از آن اشاره خارج از ترتیب به سال ۵۷۱ که در آیه ۲۹ و ۱۷ داشتیم. و اینجا در آیه ۱، می‌گوید، پس از اینکه شهر ویران شد، و در گاهشماری، اشاره‌ای تکان‌دهنده به نابودی شهر در سال ۵۸۷ وجود دارد، و این خود به یک تغییر امیدوارکننده اشاره دارد و راه را برای آن هموار می‌کند.

ما همچنین در آیه ۱ در مورد دست خداوند اشاره کردیم که فشار بر سر حزقیال هشدار بود مبنی بر اینکه خدا قرار است چیز خاصی را به او بگوید، و در این مورد، شامل یک رؤیا مانند فصل‌های ۱ و ۳ و ۸ و ۳۷ می‌شود. حزقیال به این کوه بلند برده می‌شود و این سازه معماری بزرگ را که شبیه یک شهر است، با دیوار پیرامونی و دروازه‌ها نشان می‌دهد. او دیوار را در آیه ۵ نشان داده است و ما در انتهای رؤیا به جزئیات بیشتری در مورد دیوار باز خواهیم گشت، بنابراین این نوعی چارچوب برای کل این بخش است.

ما داریم به او اطلاعاتی در مورد واحد اندازه‌گیری اولیه می‌دهیم. واحد اندازه‌گیری شش ذراع بود، و می‌توانیم محاسبه کنیم که یک ذراع حدود ۲۰.۶ اینچ طول دارد. بنابراین، می‌توانیم بفهمیم که هر یک از این اندازه‌گیری‌ها به زبان امروزی چقدر است. و در توصیف ارتفاع دیوار، باید بگوییم که کمی بیش از ۱۰ فوت ارتفاع داشته است.

این اندازه از بیرون، جایی که حزقیال است، بود، اما بعداً به ما گفته خواهد شد که زمین داخل دیوار سه فوت بلندتر از آن طرف دیوار بوده است، و بنابراین از داخل، این دیوار پیرامونی حدود هفت فوت ارتفاع داشته است. و بنابراین در اینجا این بخش اول، این مقدمه، آیات ۱ تا ۵ را داریم. بخش دوم تور طولانی‌تر است و در آیات ۴۰، فصل ۴۰، آیات ۶ تا ۳۷ پوشش داده شده است. و اکنون مقدمه‌ای بر این دروازه‌های عظیم که در دیوار پیرامونی تعبیه شده‌اند، وجود دارد که سه تا از آنها، به ترتیب در ضلع شرقی، شمالی و جنوبی دیوار قرار دارند.

این دروازه‌ها به حیاط بیرونی معبد دسترسی داشتند. سه دروازه دیگر به حیاط داخلی منتهی می‌شدند. در سمت غرب هیچ یک از حیاط‌ها دروازه‌ای نداشتند.

به حزقیال دروازه‌خانه‌ای در سمت شرقی دیوار پیرامونی نشان داده شده است. همه دروازه‌خانه‌ها ویژگی‌های یکسانی داشتند، به جز یکی از آنها که در نهایت به آن خواهیم پرداخت، و بنابراین توصیف آیات ۶ تا ۱۶ برای بقیه نیز صدق می‌کند. و در جایی که به این دروازه‌خانه‌های خارجی مربوط می‌شود، که به حیاط بیرونی منتهی می‌شوند، هفت پله به سمت دروازه‌خانه، تا طبقه بالاتر حیاط بیرونی، وجود داشت، اگرچه این جزئیات در مورد دروازه‌خانه شمالی تا بعداً در آیه ۲۲ به ما گفته نمی‌شود.

همانطور که گفتم، دروازه‌ها سازه‌های عظیمی بودند. ابعاد داخلی آنها ۸۶ فوت در ۴۳ فوت (بر حسب یارد (بود، یعنی ۲۸ یارد در ۱۴ یارد، هر دروازه بسیار عظیم. و این ابعاد داخلی آنها بود، نه ابعاد خارجی آنها.

احتمالاً دروازه اصلی در انتهای بیرونی قرار داشته است. راهرویی از میان اتاقک دروازه عبور می‌کرد و در دو طرف آن اتاق‌هایی قرار داشت که با نوعی مانع از راهرو جدا می‌شدند. هر یک از اتاق‌ها پنجره داشتند و این اتاق‌های دروازه، در واقع، مشابه اتاق‌های دروازه شهرهای پیش از تبعید بودند که با همان طرح در فلسطین کاوش شده بودند.

در آیات ۱۷ تا ۱۹، حزقیال یک تور پیاپی روی کوتاه از حیاط بیرونی را نشان می‌دهد. او در مجموع ۳۰ اتاق در امتداد داخل دیوار پیرامونی نشان داده است، احتمالاً هشت اتاق در هر طرف در شرق، شمال و جنوب و شش اتاق در سمت غرب. و سپس در آیات ۲۰ تا ۲۳، دروازه شمالی و سپس دروازه جنوبی را در آیات ۲۴ تا ۲۷ نشان داده است.

آنها دقیقاً مانند آن دیگری هستند که به تفصیل شرح دادیم. سپس او را از حیاط بیرونی به سمت دروازه جنوبی می‌برند و به حیاط داخلی می‌رسند، و آن دروازه به همان دقتی که در آیات ۲۸ تا ۳۱ آمده، اندازه‌گیری شده است. این دروازه داخلی هشت پله دارد که به آن منتهی می‌شود، و بنابراین ما مرتب بالاتر و بالاتر می‌رویم، و آن حیاط داخلی از حیاط بیرونی که از زمین بیرون معبد بلندتر بود، بلندتر است.

سپس، فرشته، پیامبر را به سمت راست، به دروازه داخلی در سمت شرقی، و سپس به سمت چپ او به دروازه داخلی شمالی، همراهی می‌کند، همه اینها در آیات ۳۲ تا ۳۷ آمده است. کار اندازه‌گیری فرشته در آیه به پایان می‌رسد، جایی که او حیاط داخلی، منطقه بین دروازه‌های داخلی و ساختمان واقعی معبد را ۴۷ اندازه‌گیری می‌کند. همچنین از محرابی که در وسط حیاط داخلی، بین دروازه شرقی و معبد قرار داشت، یاد شده است.

این قربانگاه قربانی فقط به صورت ذکر خواهد شد زیرا توضیحات مربوط به آن بعداً در فصل ۴۳ و آیات ۱۳ تا ۱۷ قبل از وقف این قربانگاه ارائه خواهد شد. بین آیات ۳۷ و ۴۷ اطلاعات تکمیلی مربوط به دروازه‌های اطراف حیاط داخلی آمده است. من آن را تکمیلی می‌نامم زیرا سبک‌های کامل پیمایش و اندازه‌گیری بخش‌های اصلی را کنار می‌گذارد و فقط یک فهرست و مشخصات کلی را به عنوان توضیحات ارائه می‌دهد.

احتمالاً بعداً اضافه شده است. آیات ۳۸ تا ۴۳ اطلاعات بیشتری در مورد دروازه شمالی ارائه می‌دهند. این دروازه با دروازه‌های دیگر متفاوت بود زیرا در بالای پله‌ها اتاق جداگانه‌ای در راهرو وجود داشت. این اتاق جایی بود که حیوانات قربانی برای قربانی سوختنی پس از ذبح شسته می‌شدند و خود راهرو جایی بود که ذبح حیوانات انجام می‌شد و لاشه‌ها قبل از انتقال به قربانگاه روی چهار میز در راهرو قرار می‌گرفتند.

همچنین چهار میز دیگر در یک پاگرد درست بیرون از دهلیز وجود داشت که آلات موسیقی مورد نیاز کاهنان در آنجا قرار داشتند. آیات ۴۴ تا ۳۶ به دو اتاق در دو طرف دروازه شرقی داخلی اشاره می‌کنند که در امتداد ضلع شرقی حیاط داخلی امتداد یافته و به اندازه کافی بزرگ هستند که دروازه‌های شمالی و جنوبی

را در مجاورت خود قرار دهند. در آیه ۴۴، به طور گذرا می‌گویم که نسخه جدید عهد عتیق به اتاق‌هایی برای خوانندگان اشاره می‌کند که نمایانگر متن عبری است، اما نسخه جدید عهد عتیق به درستی این قرائت را انتخاب می‌کند، قرائتی بسیار مشابه به زبان عبری، و دارای دو اتاق است، و در متن نیز همین معنی را می‌دهد، دو اتاق، هیچ اشاره‌ای به خوانندگانی که قرار است اینجا باشند، نشده است.

به ما گفته شده است که این اتاق‌ها برای استفاده کاهنان در نظر گرفته شده است. اتاقی که در ضلع جنوبی قرار دارد برای کاهنانی است که ذبح می‌کردند و همچنین وظایف عمومی معبد را انجام می‌دادند، که همان چیزی است که خواهیم خواند، وظیفه آنها در آیه ۴۴ آیه ۱۱ نیز همین است، اما در اینجا آنها فقط کاهنانی نامیده می‌شوند که مسئول معبد هستند و اتاقی که در ضلع شمالی دروازه شرقی داخلی قرار دارد برای کاهنانی که قربانی کردن را در قربانگاه انجام می‌دادند، در نظر گرفته شده بود و اینها کاهنان زادوکیت نامیده می‌شوند، یک سلسله خاص در قبیله لوی. در آیه ۱۰: ۴۴، کاهنان دیگر به جای کاهن، لویان نامیده شدند.

آیات ۴۸: ۴۰ تا ۴۱: ۴ در قلب این رؤیا قرار دارند، زیرا به خود ساختمان معبد که در قلب این محوطه معبد قرار دارد، اختصاص داده شده است. این بنا بسیار شبیه معبد سلیمان بود، همانطور که در اول پادشاهان توصیف شده است، و تقریباً به همان اندازه، فقط کمی بزرگتر. سه اتاق داشت، یک ایوان در جلو، یک ۶-۷ ایوان سرپوشیده، و سپس دو اتاق در پشت، یک شبستان و یک اتاق دیگر در پشت، که در ۴۱: ۴ مقدس‌ترین مکان یا قدس‌الاقداص نامیده می‌شود، و ظاهراً دو ستون مستقل در دو طرف انتهای جلویی ایوان وجود داشت که مربوط به ستون‌هایی بودند که طبق اول پادشاهان ۷ در معبد سلیمان یواخیم و بوئز نامیده می‌شوند. فرشته حزقیال را به شبستان می‌برد و حزقیال می‌تواند به عنوان کاهن به آنجا برود، اما به او اجازه ورود به قدس‌الاقداص داده نمی‌شود و فرشته به تنهایی برای اندازه‌گیری قدس‌الاقداص می‌رود و آن را فقط ۳۴ فوت مربع می‌یابد.

که ابتدا در آیات ۵-۸ آمده است، اطلاعاتی در مورد سه ساختمان الحاقی، ۴۱: ۵-۱۵ ارائه می‌دهد که از سه طرف، شمال، غرب و جنوب، به معبد نزدیک هستند، اما جدا از خود معبد ساخته شده‌اند. بین این ساختمان‌های الحاقی و ساختمان معبد فاصله‌ای وجود داشت و بین آنها فقط تیرهای چوبی قرار داشت. این سه ساختمان الحاقی هر کدام سه طبقه ارتفاع داشتند، اما به اندازه خود ساختمان معبد بلند نبودند. آنها یک راه پله بیرونی داشتند و هر کدام شامل ۳۰ اتاق بودند.

معبد سلیمان طبق اول پادشاهان ۵: ۶-۶ دارای ضمائمشابهی بود. آیات ۹-۱۱ به حیاط‌های بازی اشاره می‌کنند که در ضلع شمالی و جنوبی این مجموعه معبد که از معبد و ضمائمشامل آن تشکیل شده بود، قرار داشتند. در ورای حیاط‌های شمالی و جنوبی، اتاق‌های دیگری قرار داشتند که در آیه ۱۰، اتاق‌های صحن نامیده می‌شوند.

آیات ۱۲ تا ۱۵ الف، حیاط باز دیگری را در ضلع غربی پشت معبد و فراتر از آن ساختمان دیگری توصیف می‌کنند، و هرگز توضیح داده نشده که این ساختمان برای چیست، و شاید فقط برای محافظت از قدس‌الاقداصی که در جلوی آن و در پشت خود معبد قرار داشت، آنجا بوده است. ما در آیات ۱۵: ۴۱ ب تا ۲۶ با یک غافلگیری مواجه می‌شویم زیرا اطلاعات بیشتری در مورد داخل معبد و جزئیات کارهای چوبی آن به دست می‌آوریم، و این در واقع مکمل ۴۸: ۴۰ تا ۴۱: ۴ است. باز هم، این مورد خارج از سبک‌های پیمایش و اندازه‌گیری بقیه رؤیا قرار می‌گیرد.

عجیب است که اینجا قرار داده شده است. چرا بعد از ۴۱: ۴ قرار داده نشده است؟ ممکن است نشان دهد که به عنوان آخرین مرحله در رؤیا اینجا قرار داده شده است. این ضمیمه به قاب‌بندی دور تا دور معبد داخلی و پنجره‌های آن که در بالای الحاقات بیرونی قرار دارند اشاره می‌کند، بنابراین جزئیاتی در مورد کارهای چوبی به ما داده می‌شود.

قاب‌های چوبی با نقش‌های برجسته‌ی کنده‌کاری شده تزئین شده بودند. درست همانطور که در معبد سلیمان، طبق اول پادشاهان ۶، وجود داشت، نقش‌هایی از کروبیان یا ابوالهول‌ها و طرح‌هایی از درختان نخل با الگویی متناوب در اطراف دیوارها وجود داشت. درختان نخل نمایانگر درخت زندگی هستند و کروبیان نماد حضور آسمانی خدا هستند. آنها دو چهره داشتند که هر کدام به پهلو نگاه می‌کردند و این یک نمایش دو بعدی از چهار چهره است، مانند کروبیان در حزقیال ۱۴:۱۰. همه آنها در حال دیدن هستند.

آنها می‌توانند به هر جهتی نگاه کنند و از تقدس خدا در برابر تجاوز محافظت کنند. اینها طرح‌های این قاب‌بندی چوبی هستند. آیات ۲۱ ب و ۲۲ به یک قطعه مبلمان چوبی در شبستان اشاره می‌کنند.

در ابتدا به آن قربانگاه می‌گویند، اما فرشته‌ای که اینجا صحبت می‌کند آن را می‌نامد. این میز برای نان تقدیس یا برای نان حضور است، مانند همان که در معبد سلیمان طبق اول پادشاهان ۷:۴۸ قرار داشت. و من فقط آن مرجع را می‌خوانم. در اینجا به طور خلاصه‌تری به آن اشاره شده است، اما در ۷:۴۸ از میز طلائی نام می‌برد.

میز چوبی، در مورد سلیمان، با طلا پوشانده شده بود. میز طلائی برای نان حضور، که در نسخه‌های قدیمی‌تر، نان تقدیس است. و این، البته، با آنچه در توصیف محراب در بیابان می‌خوانیم، مطابقت دارد.

ما نیز توصیف بسیار مشابهی داریم، و در لاویان ۲۴ و آیات ۵ تا ۹، به ویژه در آیه ۸، آمده است که هفته‌ای یک بار در روز سبت، قرص‌های نان به عنوان قربانی برای خدا بر روی این میز قرار داده می‌شدند. و سپس خروج ۲۳:۲۵ تا ۴۰ جزئیات بیشتری در مورد آن به عنوان یک وسیله در خیمه بیابان ارائه می‌دهد. ممکن است در اینجا علاوه بر میز، به عنوان قربانگاه نیز نامیده شود تا از هرگونه تصویری مبنی بر اینکه خدا واقعاً آن قرص‌ها را خورده است، جلوگیری شود.

است و از آنجا با آنها قربانی بودند؛ آنها یک پیشکش بودند. ۴۲:۱ تا ۱۴ در واقع مکمل ۴۱:۵ تا ۱۵ اطلاعات اضافی در مورد ساختمان‌های نزدیک معبد ادامه می‌یابد. با ادامه تور در ۴۲:۱ شروع می‌شود اما به فرشته‌ای که واقعاً اندازه‌گیری می‌کند اشاره‌ای نمی‌کند.

فرشته در آیات ۱۳ تا ۱۴ صحبت می‌کند، اما در مقایسه با سایر بخش‌ها، اطلاعات نسبتاً کمی در مورد اندازه‌گیری و پیمایش به دست می‌آوریم. ۴۱:۱۲ به ساختمانی مستقیماً پشت معبد در ضلع غربی آن اشاره کرده بود که با یک حیاط از آن جدا شده بود. حزقیال هرگز به آنجا برده نشده بود، منطقه‌ای که به قدس‌الاقداس بسیار نزدیک است، اما اکنون او از حیاط داخلی از طریق دروازه شمالی داخلی به حیاط بیرونی برده شده و به سمت غرب هدایت شده است تا به ساختمان دیگری در ضلع شمالی آن ساختمان که مستقیماً پشت معبد است، نگاه کند.

این بنا سه طبقه اتاق و یک راه پله بیرونی داشت و در مورد ساختمانی مشابه در ضلع جنوبی آن ساختمان مرکزی به ما گفته شده است. در آیات ۱۳ تا ۱۴، فرشته به پیامبر می‌گوید که این دو ساختمان، با اتاق‌های جداگانه‌شان، برای چه منظوری ساخته شده‌اند. آنها عمدتاً برای تدارک غذا خوردن کاهن در نظر گرفته شده بودند.

بیشتر قربانی‌ها، حیوانات و سبزیجاتی که به معبد آورده می‌شدند، به بخش ذخیره غذا و در آیات، به بخش عمده‌ای از متون مقدس منتقل می‌شدند. بنابراین، این دو ساختمان، محلی برای نگهداری این غذا که به عنوان هدیه به خدا تقدیم می‌شد و سپس به کاهنان تحویل داده می‌شد، فراهم می‌کردند. ما در این

ساختمان، انبارهایی برای نگهداری غذا و همچنین غذاخوری‌ها داریم و همین امر در ساختمان دیگر نیز وجود دارد. آنها همچنین شامل اتاق‌های تعویض لباس یا رختکن برای کاهنان بودند.

ظاهراً کاهن هنگام انجام وظیفه در حیاط داخلی لباس مخصوص می‌پوشید و هنگام ورود به حیاط بیرونی که برای مردم قابل دسترسی بود و از حیاط داخلی تقدس کمتری داشت، باید لباس‌های معمولی خود را می‌پوشید. ۴۲، ۱۵ تا ۲۰ بخش پنجم و پایانی این بخش از رؤیا هستند. این بخش، نتیجه‌گیری توصیف کل منطقه معبد را تشکیل می‌دهد.

در آیه ۵، به دیوار پیرامونی فصل ۴۰ بازمی‌گردیم. حزقیال از دروازه شرقی بیرونی به بیرون برده می‌شود و کل دیوار از چهار طرف آن اندازه‌گیری می‌شود. هر طرف تقریباً ۵۶۰ فوت یا ۲۸۶ یارد طول دارد و کل محوطه معبد مربع است و بنابراین، کل منطقه ۱۷ هکتار وسعت داشته است. ۱۷ هکتار، مساحت این معبد را از نقطه نظر دیوار پیرامونی نشان می‌دهد.

در پایان، به ما گفته می‌شود که هدف از دیوار، ایجاد جدایی بین امر مقدس و امر عادی است و تقدس در اینجا به معنای مکانی آن است. کل محوطه معبد به عنوان مکانی مقدس وقف شده به خدا در نظر گرفته می‌شود و دیوار، محوطه معبد را به عنوان مکانی ویژه از سایر قسمت‌ها جدا می‌کند. این دیوار، آن را از محوطه عمومی بیرون جدا می‌کند و در داخل محوطه معبد، مراتبی از تقدس وجود داشته است.

اتاق انتهایی خود معبد توسط فرشته در آیه ۴:۴۱ مقدس‌ترین مکان یا قدس‌الاقداس نامیده شد و ارتفاع محوطه معبد به تدریج افزایش یافت. محوطه معبد، اول از همه، بر روی کوهی بسیار بلند قرار داشت. در ابتدای این روایت رؤیایی در آیه ۴۲ به ما گفته شد که سپس خانه‌های دروازه بیرونی هفت پله از آن منطقه بیرونی بلندتر شدند و سپس خانه‌های دروازه درونی هشت پله دیگر بلندتر شدند و در واقع، ساختمان معبد پله بلندتر شد و بنابراین کل سازه مانند یک کیک عروسی سه طبقه بود که با تقدس هرچه بیشتر بالا ۱۰ می‌رفت.

محوطه معبد، تجسم باشکوهی از قداست خداوند و بیانی مادی از تقدس او بود. در معبد سلیمان، مردم اجازه ورود به هر دو صحن بیرونی و درونی را داشتند، اما در اینجا، آنها ظاهراً باید در صحن بیرونی می‌ماندند و فقط کاهنان می‌توانستند به صحن درونی بروند. علاوه بر این، حتی حزقیال، اگرچه کاهن بود، اجازه ورود به مقدس‌ترین اتاق را نداشت.

دورترین جایی که کاهنان می‌توانستند بروند، شبستان معبد بود و به این روش‌های مختلف، معبد به عنوان بنای یادبود تقدس خدا گرامی داشته می‌شود. این بنا به عنوان نمادی باشکوه از تقدس خدا به تصویر کشیده شده است. ممکن است پرسیم هدف از رؤیای درون کتاب چیست، و اگر به آیه ۳۷ در آیه ۲۶ نگاهی بیندازیم، خدا گفته بود: «من پناهگاه خود را در میان آنها قرار خواهم داد» و آن آیات پایانی به عنوان نوعی مقدمه برای مباحث رؤیا در آیات ۴۰ تا ۴۸ در نظر گرفته شده بودند، و بنابراین رؤیای معبد برای تکمیل آن «و وعده الهی در نظر گرفته شده است»: «من پناهگاه خود را در میان آنها قرار خواهم داد».

در زبان عبری، کلمه «مقدس» به معنای واقعی کلمه به معنای مکان مقدس است و بنابراین تأکید بر تقدس در این رؤیا بجا و مناسب است. این رؤیا فراتر از فصل ۴۲ ادامه می‌یابد و در واقع باید هم ادامه یابد. در داوری که در مقابل این رؤیا قرار دارد، در فصل‌های ۸ تا ۱۱، نشان داده شده است که معبد توسط پرستش بت‌پرستان آلوده شده است و بنابراین جلال خدا به طرز چشمگیری معبد و شهر را به سرنوشت خود، یعنی نابودی، رها کرده است.

اکنون، ما درباره این واژگونی معماری می‌خوانیم، اما کامل نیست. معبد خالی است، آماده استفاده، اما آنقدر نو است که هنوز به بهره‌برداری نرسیده است. چیزی حیاتی کم است، نه فقط کاهنان و مردم و عبادت و نذورات، بلکه حضور باشکوه خدا، بنابراین دفعه بعد، آن عنصر ضروری را خواهیم یافت که برای راه‌اندازی معبد فراهم شده است.

در این رؤیا تاکنون، بیش از آنچه که می‌خواستیم در مورد معبد جدید به عنوان تحقق مادی مفهوم الهیاتی تقدس خدا بدانیم، به ما خوانندگان مسیحی گفته شده است و ما از خود می‌پرسیم که به عنوان مسیحیان چه برداشتی از این روایت طولانی باید داشته باشیم، به خصوص وقتی به انتهای کتاب مقدس خود در مکاشفه ۲۱-۲۲ می‌رسیم، متن را به طور ضمنی به ما می‌گوید که قرار نبوده در اورشلیم جدید معبدی وجود داشته باشد و بنابراین کل این روایت در ۴۰-۴۲ باید در مقطعی دیگر از دیدگاه عهد جدید مورد بررسی قرار گیرد. فعلاً، باید در مورد پیام در چارچوب عهد عتیق آن فکر کنیم. اولاً، این رؤیا می‌توانست چراغ امیدی برای حزقیال، یک پیامبر کاهن اما کاهنی بدون معبد، باشد.

کاهنی بدون معبد مانند پرنده‌ای بدون لانه است، و راهنمای تور فرشته‌ای در فصل ۴۰ آیه ۴ پیامی برای حزقیال آورد، ای انسان فانی، با دقت نگاه کن و با دقت گوش کن و ذهنت را به هر آنچه به تو نشان خواهیم داد، معطوف کن. بنابراین، این پیام اول از همه برای خود حزقیال بود، اما فراتر از آن، پیامی برای تبعیدیان نیز بود زیرا آیه ۴ ادامه می‌دهد که شما به اینجا آورده شده‌اید تا آن را به شما نشان دهد، و سپس می‌گوید هر آنچه را که می‌بینید به خاندان اسرائیل اعلام کنید. رؤیا تا آنجا که حزقیال گفته است، باید در گوش تبعیدیان مانند موسیقی بوده باشد.

تبعیدیان معبد قدیمی را به یاد می‌آوردند، خاطره‌ای غم‌انگیز از منطقه‌ای که غارت و به آتش کشیده شده بود. این معبد خانه معنوی آنها بود، وسیله‌ای برای فیض، زیرا وسیله‌ای برای دسترسی به خدا در عبادت بود، و مزامیر خاطرات قدیمی‌تر از شادی زائران را در هنگام شرکت در مراسم جشن و آوردن نذورات خود به معبد حفظ می‌کنند. مزمور ۸۴ در آیات ۱، ۲ و ۴ در این مورد چیزی برای گفتن دارد. ای خداوند لشکرها، جان من بی‌شک مشتاق صحنه‌های خداوند است، قلب و جسم من از شادی می‌سرایند، خوشا به حال کسانی که در خانه تو ساکنند و همیشه تو را ستایش می‌کنند.

و سپس مزمور ۴۳ به شیوه‌ای بسیار مشابه سخن می‌گوید. ۴۳ آیات ۳ و ۴. ای نور و حقیقت خود را بفرست، بگذار مرا هدایت کنند، بگذار مرا به کوه مقدس تو به مسکن تو بیاورند، آنگاه به قربانگاه خدا خواهیم رفت تا شادی عظیم خود را حفظ کنم، و تو را با چنگ ستایش خواهم کرد، ای خدا، خدای من. و در آخر، کمی زودتر در ۴۲ و آیه ۴. این چیزها را به یاد می‌آورم: چگونه با جمعیت همراه شدم و آنها را با فریادهای شاد و سرودهای شکرگزاری، جشنی برای جمعیت، در صفوف منظم به خانه خدا هدایت کردم.

و بنابراین، اینها همه خاطرات شادتری هستند که قبل از تخریب آن معبد اول وجود داشتند. بنابراین تبعیدیان از تمام این جزئیات مانند هر نت در نت موسیقی یک قطعه موسیقی مورد علاقه در مورد یک نوازنده لذت می‌بردند. آنها از هر جزئیات این روایت پیچیده مست می‌شدند.

این به معنای آن است که خداوند بار دیگر پناهگاه خود را در میان آنها قرار دهد. تبعیدیان از آن دروازه‌های عظیم قدردانی می‌کردند زیرا دروازه‌های معبد اول نقش مهمی داشتند و احتمالاً در اینجا نیز همان نقش را دارند، هرچند به ما گفته نشده است، به خصوص دروازه‌های بیرونی که به حیاط بیرونی منتهی می‌شوند. آنها خط مرزی بین زمین مقدس و زمین مشترک بودند.

اما آنها نکته‌ی خاصی داشتند، زیرا آنها یک ایست بازرسی امنیتی بودند که در آن زائران مورد بازجویی قرار می‌گرفتند و قبل از اینکه اجازه عبادت در خود معبد را داشته باشند، از وضعیت خوبی برخوردار بودند.

بنابراین، آن نگهبانان آنجا نکته‌ی مهمی داشتند و بعداً در مورد آنها خواهیم خواند. اما مزمور ۲۴ این سؤال را می‌پرسد: چه کسی از تپه‌ی خداوند بالا خواهد رفت؟ چه کسی در مکان مقدس او خواهد ایستاد؟ کسانی که دست‌های پاک و قلب‌های پاک دارند، کسانی که روح خود را به سوی آنچه نادرست است بالا نمی‌برند و به دروغ قسم نمی‌خورند.

اینها کسانی بودند که نگهبانان معبد اجازه ورود آنها را از طریق اتاق‌های دروازه به حیاط بیرونی می‌دادند. و این ما را به یاد دستور مشابهی در کتاب مکاشفه، فصل ۲۱ و آیه ۲۷ می‌اندازد. هیچ معبد جدیدی در آنجا وجود ندارد، اما اورشلیم جدیدی وجود دارد و در مورد آن اورشلیم جدید چه می‌گوید؟ هیچ چیز ناپاک و هیچ کس که مرتکب اعمال زشت یا دروغ شود، وارد آن نخواهد شد، مگر کسانی که در دفتر حیات بره نوشته شده‌اند.

و بنابراین، این بررسی امنیتی در آن شهر جدید انجام می‌شود، همانطور که در مورد زائرانی که مدت‌ها قبل وارد معبد می‌شدند، وجود داشت. دفعه بعد فصل‌های ۴۳ تا ۴۶ را مطالعه خواهیم کرد.

این دکتر لسللی آلن در حال تدریس در مورد کتاب حزقیال است. این جلسه ۲۱، بخش ۷، تور رویایی معبد جدید است. حزقیال ۱: ۴۰-۲۰: ۴۲.